

مرز نامرئی

خادم علی

۱۰ آپریل - ۵ جون ۲۰۲۱

مدیر گالری: لیز ناول

خادم علی یکی از هنرمندان سرشناس استرالیاست و به خاطر شاهکارهای هنری اش که جستوجوی شاعرانه‌ی تجارب بی‌جاشدگان در اطراف و اکناف عالم است، شهرت دارد.

او عضوی از اقلیت سرکوب‌شده‌ی هزاره و سومین نسل خانواده‌ای است که در آخر قرن نوزدهم سرزمین مادری شان را در افغانستان از دست دادند و سه نسل در تبعید زیستند. علی متولد کویته پاکستان است و پیش از آن‌که در سال ۲۰۰۹ به استرالیا مهاجرت کند، در رشته‌ی مینیاتور با درجه‌ی عالی از کالج ملی هنر لاهور، فارغ‌التحصیل گردید.

مرز نامرئی، بزرگترین نمایشگاه انفرادی علی در کشور جدید او است. نصب صداها‌ی در هم‌آمیخته، نقاشی مینیاتور و پارچه‌هایی با بافت‌های بسیار پیچیده در این نمایشگاه، از ویژگی‌های کارهای جدیداند و با همکاری گروهی از زنان و مردان در داخل افغانستان، که برخی از آن‌ها خانواده‌های شان را در جنگ از دست داده‌اند، تولید شده‌اند.

پس از آن‌که خانگی پدر و مادر علی در کویته توسط یک ماشین بمب‌گذاری شده فروریخت، علاقه‌مندی او به ملیله‌کاری و پرده‌های نگارین بیش‌تر گردید. در میان تکه‌پاره‌ها و آوارهای به‌جا مانده از انفجار، مجموعه‌ی از قالی‌چه‌ها و گلیم‌هایی وجود داشتند که سالم مانده بودند: این مجموعه به طور معجزه‌آسا از این توان برخوردار بودند که در برابر ترور و وحشتی که بر فضای جامعه و خانواده سایه افکنده بود، مقاومت کنند. در این ملیله‌کاری و پرده‌های زربفت بزرگ، علی به موضوعاتی چون جنگ، سیاست جغرافیایی و ترومای شخصی می‌پردازد و می‌کوشد با به‌کارگیری طیفی وسیعی از مسایل تاریخی و معاصر، چون آتش‌سوزی تابستان سیاه، شاهکارهای ادبیات فارسی، قصه‌های کودکانه و سلسه‌ی مغولان، عادی‌پنداری شر را زیر سوال ببرد و عناصر موثر بر زندگی ما را به بحث باب روز بدل کند.

مرز نامرئی، نشان‌دادن وحشت، اندوه و فقدان‌های تجربه‌شده در جنگ‌های عصر مدرن است. بنابراین، مرز نامرئی یک نمایشگاه مهم و حیاتی در زمانه‌ای است که پروپاگندای سیاسی، خشونت و ترس بر روابط انسانی سایه‌افکنده و روابط جهانی را شکل می‌بخشند.

«دیگربودگی» نیز مشمول مرز نامرئی است. دیگربودگی مجموعه‌ای است که با همکاری بنیاد لاهور بناله انجام شد. این پروژه توسط دولت استرالیا حمایت و از طریق «شورای استرالیا» و نهاد مشورتی بودجه‌ی هنری اجرایی شده است.

در باره خادم علی

متولد ۱۹۷۸، کویته، پاکستان.

خادم علی فعلا شهروند استرالیاست و در شهر زندگی می‌کند. دوران مکتب را در کویته، منطقه‌ی هزاره‌نشین در پاکستان به پایان رساند. پیش از مهاجرت و اتمام دوره‌ی ماستری فاین‌آرت در دانشگاه نیو ساوز ولز استرالیا، در کالج ملی هنر در لاهور وارد و با درجه‌ی ممتاز در رشته‌ی مینیاتور کلاسیک فارغ‌التحصیل شد.

در دوران فعالیت هنری اش نمایشگاه‌ها مختلفی را در سراسر جهان برگزار کرده است. برخی از نمایشگاه‌هایی که آثار خادم به عنوان اثر برگزیده انتخاب شده‌اند قرار ذیل‌اند. بازاندیشی دوران صفوی، موزیم برتانیای لندن؛ آپت، نگارستان هنر کویزلند، گالری هنرهای معاصر برزبین (۲۰۰۶)، نمایش در ونیز بناله (۲۰۰۹)؛ داکيومنتا ۱۳، (۲۰۱۲)؛ بی‌سرزمین، موزیم هنرهای معاصر جنوب شرق آسیا، در گوگن‌هایم نیورک (۲۰۱۳)؛ ریندرزوس، لئون بناله، فرانسه (۲۰۱۷)؛ ملیت (۲۰۱۷)، موزیم هنرهای معاصر، سیدنی؛ و نشست هنری داکا (۲۰۱۸). موارد نامبرده بخش کوچکی از فعالیت‌های هنری اوست. آثار هنری خادم علی، در کلکسیون نگارستان ملی

استرالیا، یادواره‌ی جنگ استرالیا، نگارستان نیوساوت ولز؛ کاگومای برزبین؛ ویکتوریا و موزیم آلبرت در لندن؛ و سالمون. ر موزیم گوگن‌هایم نیورک، نگهداری و نمایش داده می‌شوند. خادم‌علی، ارائه شده توسط نگارستان میلانی، برزبین.

خادم‌علی

موعظه بر فراز کوه، ۲۰۲۰

پرده‌های پرنقش و نگار/ملیله‌کاری، گل‌دوزی و اکریلیک، ۵۵۳ × ۴۰۰ سانتی‌متر.

کلکسیون: نگارستان ملی استرالیا، کانبرا، خرید شده در سال ۲۰۲۱

از همان آغاز نقل مکان به سیدنی، تلاش کرد شمایل‌نگاری‌هایی استرالیایی را از قبیل اُکالیپتوس، اسکناس و کانگرو را در آثارش تلفیق کند. خطابه بر فراز کوه (۲۰۲۰) نمونه‌ای است از تحول زبان بصری این هنرمند. این اثر واکنش مستقیم و صریح به آتش‌سوزی تابستان سیاه – که بسیاری از بوت‌زارهای استرالیا را بلعید- است. گروهی از حیوانات و موجودات افسانه‌ای را نشان می‌دهد که از ترس شعله‌های آتش بر قلعه‌ی کوهی پناه گرفته‌اند. عنوان موعظه بر فراز کوه، برگرفته از خطابه‌ی مسیح بر فراز کوه زیتون است که در آن مهم‌ترین بشارت‌ها و آموزه‌هایش را بیان به شاگردان و پیروانش بیان می‌کند.

این ملیله‌کاری ترکیبی، که در آغاز به صورت کلاژ دیجیتالی ساخته شد، بازآفرینی تصاویر خیالی «انوار سهیلی» است و ب قرن پانزدهم بر می‌گردد. انوار سهیلی، ترجمه و بازنویسی اثر باستانی هندی به نام «پنجه‌تانترا» است که در ادبیات فارسی و عربی «کلیله و دمنه» یاد می‌شود. این کتاب، قصه‌ها و حکایت‌هایی است در باره اخلاق و سیاست از بان حیوانات. راویان و قهرمانان این کتاب حیوانات‌اند.

در طراحی نسخه‌ی اصل، که در حال حاضر در کلکسیون موزیم برتانیای وجود دارد، کلاگی از گروهی پرندگان می‌خواهد حمایت و وفاداری خود را به رهبر جغدها اعلام نماید. در نسخه‌ی خادم‌علی، اما، کوالا جای‌گزین کلاغ شده است. کوالا به عنوان پیشاهنگ گروهی از حیوانات بر فراز کوه بر می‌آید و به عنوان مبشر آینده تخریب زمین توسط انسان‌ها و خطر انقراض موجودات زنده را به حیوانات اعلام می‌کند.

علی اخبار بعد از ظهر در باره آتش‌سوزی را دنبال می‌کرد. دیدن بوت‌زارها و جنگل‌هایی که در میان آتش می‌سوختند، او را دچار وحشت کرد. ترس عظیمی وجودش را فراگرفت. مشابه ترس‌هایی که در مناطق جنگ تجربه کرده بود. او می‌گوید: «آتش‌سوزی یادآور خشونت‌هایی بود که در سراسر زندگی‌ام از آن‌ها فرار کرده‌ام. یادآور دوران طالبان که خانه‌های مردم را آتش می‌زدند. مردم فضای آزاد در آتش می‌سوختند، خاکستر می‌شدند و به هوا می‌رفتند. آتش‌سوزی که چندان دور نبود و در چهل‌کلیومتری خانه‌ام در سیدنی شعله می‌کشید، گونه‌های مختلف حیوانات و درختان و هزاران هکتار بوت‌زار در دم خاکستر کرد و جز سیاهی و خاکستر اثری بر جای نگذاشت. در آن لحظه که نطق تلویزیون، حس و حال حیوانات و تقلا‌ی آن‌ها برای زنده‌ماندن را توصیف می‌کرد، من در ذهنم خاطرات روزهایی را مرور می‌کردم که وحشت جنگ و آتش مناطق روستایی را تسخیر کرده بود. پردیهای تلویزیون میدان جنگ به‌نظر می‌رسید. به‌وضوح می‌دیدم که مردم در میان دود و آتش پا به فرار نهاده بودند و خانه‌های شان را ترک می‌کردند. پرسش اما این است با افراد و شرکت‌هایی که سرپناه طبیعی و زمینی را که خانه‌ی مشترک موجودات زنده است خراب می‌کنند با چه زبانی سخن بگوییم و چه‌گونه به مقابله برخیزیم؟

برای بصری‌سازی این اثر و همین‌طور بیان آموزه‌های کوالا، اسدبودا نیز با علی همکاری کرده است. در این اثر هنری، جمعی از حیواناتی که از شر آدمیان به کوه و جنگل پناه برده‌اند، در کوه‌پایه‌ای گرد هم می‌آیند. کوالا که همواره از سوی هم‌نوعانش به تنبلی و خاموشی متهم بود، بدان‌ها می‌پیوندد. بر فراز کوهی بر می‌آید و خطابه‌اش را این‌گونه ایراد می‌فرماید:

مپندارید آمده‌ام تا کتاب پیامبران را تکمیل کنم. هیچ مژده و بشارتی برای شما ندارم. آمده‌ام تا خبر انقراض عظیم را اعلام کنم. انقراض عظیمی را که انسان رقم زده است. من صدای زمین‌ام: صدای این مادر مشترکی که عن‌قرباب از زخم‌های بسیار از پای در آید. زیست‌گاه ما در خطر است. ما با بدترین عالم هم‌سپارهایم: آدمیان. همانا موجودی خطرناک‌تر از آدمیان در زمین وجود ندارد. آن‌ها با طبیعت، تعامل خصومت‌آمیز دارند و در نقش گونه‌ی مهاجم عمل می‌کنند. آخرین قلمروهای ما را غصب و غارت کرده‌اند. قرن‌های بی‌شمار است که تن زمین را زخم می‌زنند. حتا بر همدیگر رحم ندارند. هم‌نوعان خود را می‌کشند. آن‌ها دشمن سرسخت زمین‌اند. با دل‌های مملو از زیاده‌خواهی و کینه و انتقام. داستان‌هایی عجیبی برای خلقت خود ساخته‌اند. تصور می‌کنند از جهان خیالی تبعید شده‌اند. برای بازگشت به بهشت خیالی، زمین را بر موجودات زنده جهنم ساخته‌اند و حق حیات ما را به رسمیت نمی‌شناسند.

بدا به حال زمین که تقدیر آن به دست انسان‌ها افتاده است. خطر بزرگی ملکوت‌زمین را تهدید می‌کند. آدمیان حملات همه‌جانبه‌ای را علیه زمین، این خانه‌ی مشترک، ترتیب داده‌اند. جنگل‌ها را آتش می‌زنند. آب‌ها را آلوده کرده‌اند. کوه‌ها را منفجر، علفزارها را بیان، درختان را قتل عام و جنگل‌ها را خاکستر. کارخانه‌های اسلحه‌سازی آن‌ها در سراسر زمین فعال‌اند. رد پای جنایت‌شان در همه‌جا مشهود. در خشکی، در دریاها، در جو زمین. برف‌هایی قله‌ها آب شده‌اند. یخ‌های ضخیم قطب ترک برداشته‌اند و ذره‌ذره در خود فرو می‌ریزند. قلمروهای ما را اشغال کرده‌اند. گوشت ما را می‌خورند. پوست ما را در بازارها می‌فروشند و از آن برای خود کفش و جامه می‌دوزند. برای آن‌که سلطه و انقیاد کامل خود را واقعیت بخشند، برخی از ما را اهلی و سوژه‌ی سرگرمی یا بارکش خود ساخته‌اند. آن‌قدر آن‌ها شکنجه‌شان کرده‌اند، که بازگشت آن‌ها به طبیعت حیوانی محال است و از یاد برده‌اند بازیچه‌ی انسان‌ها نبوده‌اند و همانند ما آزاد می‌زیسته‌اند. آن بخش از ما را که به طبیعت و سرشت خود وفادارند و یوغ اهلی‌سازی به گردن نمی‌نهند، دست‌گیر می‌کنند، به بند می‌کشند و به اردوگاه‌ها و زندان‌ها می‌فرستند. نام این اردوگاه‌ها و زندان‌ها را «باغ وحش» گذاشته‌اند.

مبنای این همه‌جنایت خودپنداری آن‌هاست. تصور می‌کنند سرشت والا دارند. از نژاد برتراند. اشرف مخلوقات. زمین و هر آنچه در آن هست ملک طلق آن‌هاست. ما حیوانات از نظر آن‌ها حق حیات نداریم. از هر منظر سزاوار کشتن‌ایم. شنیده‌اید که نیاکان آدمی دستور داده‌اند، حیوانات را بکشید و در پیش‌گاه خدایان قربان کنید. با آن‌که در آزادی و پاکی ما آشکار رشک می‌ورزند، ما را نماد پستی و حقارت می‌شمارند. هرگاه قرار است همدیگر را بکشند، حیوان اعلام می‌کنند. آدمی جنایت‌اگر اعظم است. زمین را مسموم کرده است. منابع غذایی ما را بی‌رویه غارت می‌کنند. هرچند ما کوالاها به برگ‌های درخت قانع‌ایم و کمتر از سهم خود آب می‌نوشیم، جمعیت بزرگی از ما حیوانات به خاطر کمبود آب و غذا جان داده‌اند. این قربانی‌گیری از ما روند تصاعدی دارد. انقراض ما نزدیک است. فرصت زیستن اندک. ما در چند قدمی فاجعه ایستاده‌ایم. زمین این خانه‌ی مشترک ما در آتش می‌سوزد. نگران فردای تان باشید! نگران اینکه در کجا پناه بگیرید؟ نگران اینکه چه‌گونه از فرزندان خود مراقبت کنید، چه بخورید و چه بنوشید!

چون کوالا این سخن را به پایان برد، وحشت حیوانات چند برابر شد. در آن سوی کوه‌ها، آدمیان آتش افروخته بودند. جنگل‌زارها در آتش می‌سوختند. جمعی بزرگی از حیواناتی که قرار بود در بازگشت از کوه به خانه کوالا را همراهی کنند، پراکنده شدند و راه فرار در پیش گرفتند. کوچک‌ترین فرزند کوالا، بی‌خبر از آن‌که آخرین بقایای پلنگ تسمانیه توسط انسان‌ها قتل عام و زمین از آن‌ها پاک‌سازی شده است، در بستر برگ‌های اکالیپتوس در خواب خوش فرو رفته بود. هنوز آن‌قدر کوچک بود که صاحب چشم نشده بود. نمی‌دید آدمیان در جوار خانه‌ی او قلب زمین را سواخ کرده‌اند. از این قلب شکافته آتش زبانه می‌کشید و خانه‌ی او آتش گرفته است. آن‌قدر در خواب عمیق و از بوی خوش خویش سرمست بود که حتا نمی‌دانست مادرش برای ایراد خطابه بر فراز کوه رفته است. لانه‌ها و آشیانه‌های حیوانات در آتش می‌سوختند. شعله‌های آتش هر لحظه بلندتر می‌شد و آتش همه‌گیرتر. دقیقاً در آن لحظه که کوالا خود را به درخت رسانید و از درخت بالا می‌رفت، درخت آتش گرفت. آخرین کوالا و بچه‌اش در میان آتش سوختند. حیواناتی که سوختن و خاکستر شدن آن‌ها را از دور تماشا می‌کردند، فریاد برکشیدند، حقا، که او صدای راستین زمین بود. خبر آورنده‌ی انقراض عظیمی که آدمیان رقم زده‌اند. به راستی آدمی جلاد زندگی است. قاتل ما، قاتل زمین و قاتل خویشتن. داستان این قاتل به خون زمین آلوده است و این خون از داستان او

پاک نخواهد شد. فرجام این جنایت هولناک، تنها پایان حیات ما نیست، پایان حیات خود آدمی نیز خواهد بود.

## شهرکشی ۲

خادم‌علی با همکاری شیرعلی

۱۱ تا کانال صدا: فولاد، ورق فلز، ورق طلائی، طناب نایلونی روی دست‌گاه صورتی، فرش بافته‌شده، ابعاد متغیر.  
کلکسیون هنرمند.

اربی‌ساید/شهرکشی اصطلاحی است بر خشونت‌های رواداشته بر محیط زندگی جمعی و شهر دلالت دارد. این اصطلاح ترکیبی است از واژه‌های لایتنی 'urb' به معنای شهر و 'cide' به معنای کشتار جمعی و در مورد تخریب بی‌رویهی فضاهاى شهری در عصر جهانی‌شدن و مرحله‌ی سرمایه‌داری متاخر دلالت دارد. موضوع مرکزی شهرکشی ۲ خادم‌علی (۲۰۲۰)، جهانی‌شدن جنگ است. به‌وضعیتی اشاره دارد که جنگ داخلی یا محلی وجود ندارد و جنگ و ترور جهانی‌شده در نقش قاتل محیط فیزیکی و اجتماعی شهرها عمل می‌کند.

در این اثر، یازده تا بلندگوی دست‌ساخت شاخک‌دار بر جانمازهای کوچک تعبیه‌شده‌اند و هریک از بلندگوها جداگانه با مدارهای طلائی رنگ به هم وصل شده‌اند. این شبکه‌ی درونی به هم‌پیوسته و در هم تنیده که به نقشه‌ی مخفی و زیر زمینی شباهت دارد، از فساد گسترده و سیستماتیک در افغانستان حکایت دارد که برخی از این فسادها ریشه در دخالت قدرت‌های بین‌المللی دارد. بیش از ۵۰ درصد جمعیتی که زیر خط فقر قرار دارند، به شمول سازندگان این نخ‌های طلائی زربفت‌گونه، برای به‌دست‌آوردن درآمد بیشتر به طور بی‌سابقه مهارت و تخیل شان را در ساختن مواد انفجاری و مدارهای بمب مغناطیسی به کار می‌برند. در کشوری که در قعر منازعات سیاسی و اجتماعی سقوط کرده، جنگ و نقض حق حیات آدمی، نوعی تجارت است و به یک صنعت سودآوار و پر درآمد بدل شده است.

روی شاخک‌های بلندگوها، اشعار فارسی با فونت عربی حک شده‌اند. از منظر هنرمند، استفاده از فونت عربی برای نوشتن اشعار فارسی، دارای معنای سیاسی است و به استمرار اسلامی‌سازی تاریخ خاورمیانه و جنوب آسیا اشاره دارد. در سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۱ گروه طالبان سلطه‌ی خود را بر سراسر افغانستان توسعه بخشید و قانون متصلب اسلامی و شرعی را به عنوان یگانه قانون رسمی بر مردم تحمیل کرد. حمله‌ی تروریستی ۱۱ سپتامبر باعث شد که دولت آمریکا به افغانستان حمله کند و حکومت طالبان را سقوط دهد. از آن زمان تا کنون این گروه خود را در قالب یک گروه شورشی بازسازی کرده‌اند. مکرراً حملات تروریستی و نظامی انجام می‌دهند و شهروندان، به‌خصوص مردم هزاره را که خادم‌علی از نظر قومی به آن‌ها تعلق دارد، می‌کشند و قتل عام می‌کنند.

موسیقی شهرکشی ۲ که همزمان از یازده بلندگو در فضا پخش می‌شود، بیننده را به دنیای بیرون و بسیار دور از فضای جذاب گالری می‌برد. متن ترانه که ترجمه‌اش می‌شود، «یک انتحاری محترم دیگر به هدف خود روان است. جانم فدایت می‌کنم!» حکایت عادی‌شدن از جنگ و کشتار در کشوری است که ده‌ها درگیر جنگ و خشونت‌های قومی ست.

شهرکشی ۲ از جهات بسیار چشم‌انداز هولناکی از جنگ و خشونت را به روی ما باز می‌کند که در زندگی روزمره‌ی مردم نفوذ کرده است و نابودی کل شهر و نظم جمعی را رقم می‌زند. در بخش تولید و تدوین متن اسدبودا با خادم همکاری کرده است. متن در این‌جا قابل دست‌رسی است.

لطفاً متوجه باشید که این متن حاوی تصاویر خشونت‌بار است.  
خادم‌علی،

مرز نامرئی ۴، ۲۰۲۰

گلدوزی دستی و ماشینی، بخیه‌دوزی و رنگ روی پارچه. ۳۰۰ × ۲۲۰ سانتی‌متر.  
کلکسیون هنرمند

این نمایشگاه آشکارا سیاسی و موضوع اعتراض علی رهبران جهانی است که از جنگ بیست‌ساله‌ی افغانستان سود می‌برند. منبع الهام او در مرز نامرئی ۴ (۲۰۲۰) جهان‌گیر، چهارمین امپراطور مغول در هند است که از سال ۱۶۰۵ تا سال ۱۶۲۷ بر این سرزمین حکومت کرد. در پانزدهمین سالگرد تولد پسرش خرم، دستور داد که شاهزاده‌ی جوان را با سکه‌های طلا و نقره بیارید. چنان‌که در نقاشی‌های کلاسیک گوناگون، از جمله نقاشی‌های موجود در کلکسیون موزیم برتانيا نشان داده شده، جهان‌گیر این سکه‌های طلا و نقره بین فقرا توزیع کرد.

به رغم آن‌که توزیع سکه‌ها بین فقرا در ظاهر نماد بخشندگی است و عمل خیرخواهانه به‌نظر می‌رسد، تفسیر علی از این واقعه بر عکس است و آوای غمگین و کلبی‌مسلکانه دارد. رهبر طالبان توسط دونالد ترامپ طلاپوش شده است و دیگر رهبران جهان در مقام گدایان دربار جهان‌گیر، امپراطور مغول، با نگاه حسرت‌بار صحنه را مشاهده می‌کنند.

مرز نامرئی ۴ بیان صریح سودجویی جنگ است. کيفرخواست علیه بسیاری از رهبران دولت‌هایی که حامیان جنگ‌اند و به‌خاطر بهره‌مندی‌های کلان اقتصادی، در خلق و استمرار جنگ نقش دارند. در آخرین اقدام رادیکال هنری، هنرمند تصمیم گرفت بینی قرمز و موهای روشن دلچک را بر صورت رهبران جهان بخیه بزند و چهره‌ی آن‌ها را از انظار پنهان کند.

خادم‌علی

مرزنامرئی ۱، ۲۰۲۰

رنگ اکریلیک، گلدوزی دستی و ماشینی روی پارچه

۲۱۰ × ۹۰۰ سانتی‌متر

کلکسیون: بنیاد هنری شارجه

مرز نامرئی ۱ (۲۰۲۰)، بزرگ‌ترین مليله کاری این نمایشگاه، از فرش‌های جنگ افغانستان الهام گرفته شده است که یکی از مشهورترین کالاهای توریستی است. از سوی دولت به رهبران جهان تحفه داده می‌شود و نیروهای بین‌المللی و کارمندان نهادهای بین‌المللی از بازارها می‌خرند و به عنوان تحفه یا خاطرات سفر به افغانستان به کشورهای خود می‌برند. فرش‌های جنگی در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی وارد بازار شدند. این فرش‌ها از سنت قدیمی فرش‌بافی برای تولید و ترسیم طرح‌های معاصر و بابروز استفاده می‌کنند تا دست‌گاه جنگ را نشان دهند. فرش‌های جنگی که تولید آن‌ها همچنان ادامه دارد و حتا روبه‌رشد است، تحول تکنولوژی جنگ در خاورمیانه را به تصویر می‌کشند. به عنوان مثال، در فرش‌هایی که در این اواخر تولید شده‌اند هواپیمای بدون سرنشین صحنه‌هایی از حملات یازده‌سپتامبر دیده می‌شوند. مرز نامرئی ۱ با استفاده از این سنت فرهنگی، هواپیماها و نیروهای نظامی را به تصویر می‌کشد. همین‌طور حیوانات تصویر زیبا از حیوانات اسطوره‌ای و شخصیت‌هایی که در نقش قهرمان ظهور کرده‌اند. این اثر که در پس‌زمینه‌ی آن قلعه‌ی مجلل لاهور قرار دارد، بازتاب خاطرات

پارمپاره‌ی این هنرمند از لاهور، پایتخت فرهنگی پاکستان، پیش از آن‌که توسط طالبان تخریب شود.

مرز نامرئی ۱ زیر مجموعه‌ی پروژه‌ی «دیگربودگی» است که با همکاری بنیاد لاهوربناله انجام شد. این پروژه توسط دولت استرالیا حمایت و از طریق «شورای استرالیا» و نهاد مشورتی بودجه‌ی هنری اجرا گردید.

خادم علی

مرز نامرئی ۱، ۲۰۲۰

گل‌دوزی دستی و ماشینی، بخیه‌دوزی و رنگ روی پارچه

اندازه: ۲۹۱ × ۲۶۵ سانتی‌متر

کلکسیون: موزه هنر کیران نادر

با ظهور دونالد ترامپ و رشد اخبار جعلی در رسانه‌های اجتماعی، دنیای ما بیش از هر زمانی دو قطبی شد. مرز نامرئی ۱ با مقایسه یک نمونه‌ی تاریخی رواداری با بیان‌های رایج و عمومی دوران حاضر، از وضعیت قطبی و شکاف روزافزون در سال‌های اخیر پرده بر می‌دارد. علی به صورت واضح و درخشان، تصویری از یک داستان مذهبی هندی را بازسازی می‌کند که علی رغم حرمت شرعی آن در دین اسلام، پادشاه مسلمان آن سفارش داده شد. در زیر این تابلوی پر زرق و برق دیوان، خدایان و موجودات میرا، صحنه‌ای شوم و خشن به تصویر کشیده شده است که مردان مسیحی و مسلمان به شدت با هم درگیراند. مرز نامرئی ۱ در عین حالی‌که از افزایش خشونت و عدم تحمل ما نسبت به یکدیگر پرده بر می‌دارد، یادآور زمانی است که تفاوت‌ها و اختلافات، با بردباری و خیرخواهی همراه بودند.

مرز نامرئی ۱ زیر مجموعه‌ی پروژه‌ی «دیگربودگی» است که با همکاری بنیاد لاهوربناله انجام شد. این پروژه توسط دولت استرالیا حمایت و از طریق «شورای استرالیا» و نهاد مشورتی بودجه‌ی هنری اجرا گردید.

خادم علی

بدون عنوان (از مجموعه‌ی موعظه بر فراز کوه)، ۲۰۲۰.

گواش، اینک و ورق طلا بر روی کاغذ

اندازه: ۲۵۰ × ۱۴۰ سانتی‌متر

علی پس از فارغ التحصیلی از مکتب هنر در پاکستان، در اندک زمانی به‌خاطر نقاشی‌های مینیاتوری استادانه خود که ترکیبی از تکنیک‌های سنتی و سوژه‌های معاصر بود، توجه مخاطبان جهانی را به خود جلب کرد. منبع الهام هنری علی پدرکلانش بود، یکی از شاهنامه‌خوانان بلندآوازه. آثار هنری اولیه‌ی علی بازتابی است از وضعیت تبعیدیان هزاره و همین‌طور، فرشته‌ها و دیوها و دوالیسم خیر و شر در شاهنامه، شاهکار ادبی جهان فارسی که حدود پنجاه‌هزار بیست است و در سال‌های ۹۷۷ تا ۱۰۱۰ میلادی تدوین و تحریر شد، کلاماً همخوانی دارد.

نقاشی مینیاتوری سنتی که به عنوان قطعه‌های کوچک روی کاغذ ارائه می‌شود، فوق‌العاده ظریف است. به قلم موهای نازک نیاز دارد. گاهی اوقات از قلم‌موهای استفاده می‌شود که از موی بچه‌ی گربه ساخته شده‌اند. اغلب اوقات از خوش‌نویسی و ورق طلای ظریف به عنوان لایه به کار برده می‌شوند. علی به هنرش خبره است. در مهارت‌ها و فنون این هنر بی‌نظیر است و در شناخت مواد هنری تخصص فوق‌العاده دارد.

بدون عنوان 1 (از سری موعظه بر روی کوه) (2020) نشان‌گر تحول در سبک نقاشی این هنرمند است، با جزئیات و اشکال فوق‌العاده و درخشان و خلق تضادهای برجسته. بدون عنوان ۱

برخورد فعال با آتش سوزی‌های تابستان سیاه است. ترس و وحشت جمعی ما نسبت به فاجعه‌ی روز افزون محیط زیست است و خشم مشترک در برابر بی‌تفاوتی دولت را بازگو می‌کند.